

# BACCALAURÉAT TECHNOLOGIQUE

**SESSION 2015**

**PERSAN**

**VENDREDI 19 JUIN 2015**

---

**LANGUE VIVANTE 1**

Séries : **Hôtellerie, STI2D, STD2A, STL, ST2S** – Durée de l'épreuve : **2 heures** – coefficient **2**

Série **STMG** – Durée de l'épreuve : **2 heures** – coefficient **3**

---

*L'usage des dictionnaires et des calculatrices électroniques est interdit.*

Dès que ce sujet vous est remis, assurez-vous qu'il est complet.  
Ce sujet comporte 4 pages numérotées de 1/4 à 4/4.

## **Répartition des points**

Compréhension de l'écrit	10 points
Expression écrite	10 points

## خاطره‌های پراکنده، دوستِ کوچک

### از گلی ترقی

1. دوازده سال دارم و خوشبخت‌ترین بچه‌ی روی زمینم. دوستِ کوچک همبازی من است و دوستی ما ابدی است. (...) تابستان برای همه‌ی بچه‌های مدرسه فصلِ جدایی است، جز برای ما دو نفر. هر روز همدیگر را می‌بینیم و گوشه‌های تاریک باغ را با هم کشف می‌کنیم. لای بته‌های گوجه فرنگی دراز می‌کشیم و به صدای جیرجیرک‌ها که که خانه را روی سرشان گذاشته‌اند گوش می‌دهیم.
5. جوی‌های پای دیوار پر از قورباغه است. تا صبح می‌خوانند و مادر خوابش نمی‌برد. به هر کدام از ما که قورباغه‌ای را بگیرد چیزی پاداش می‌دهد. (...)
- روزهای تابستان مثل برق و باد می‌گذرد. [شب] اول مهر<sup>1</sup> مثل شبِ عید است و نمی‌شود بی خیال و راحت خوابید؛ کلاس جدید، کیف و کتابچه‌های نو، درس‌های تازه و یک قدم جلوتر، سیزده سالگی نزدیک است و پشت سرش چهارده سالگی است، و کلمه‌ی "چهارده" دروازه‌ی ورود به دنیای
10. بزرگ ترها، به سرزمینی ناشناخته و مرموز و ترسناک. حرفش را نمی‌زنیم ولی هر دوی ما به نزدیک شدن آن روزِ خاص فکر می‌کنیم و قلبمان می‌زند. نکند از هم جدا شویم؟
- کلاس ششم در طبقه‌ی سوم است. از پنجره‌ی راهرو می‌توانیم پسرهای مدرسه‌ی فیروزکوهی را دید بزنیم. بعضی از دخترها نامه‌های بدون امضا می‌نویسند و یواشکی از لای پنجره به آن طرف پرت می‌کنند.
15. (...) حسن آقا قول داده برای شب تولدم رشته پلو با قیسی درست کند و مادر یک سینی بزرگ یخ در بهشت برایمان تهیه دیده است.

<sup>1</sup> Le premier Mehr = Le 23 septembre, le jour de la rentrée scolaire en Iran.

روز تولدم برف می‌آید و این اولین برف سال است و همه توی کوچه اند. برف روبها داد می‌کشند و ماشین‌ها لیز می‌خورند و راه بندان شده و شهر، یک جور خوبی شلوغ پلوغ و خوشبخت است؛ انگار تمام دنیا آن روز را به خاطر تولد من جشن گرفته است.

20. سر کلاس مثل آدم‌های مست، چرت می‌زنم و تمام عددهای توی سرم تبدیل به شمع‌های تولد می‌شود. حواسم پیش ساعت چهار است و دقیقه‌ها را می‌شمارم. همه چیز درست همان گونه است که می‌خواستم. آن قدر خوشبختم که خجالت می‌کشم. از فردا وارد سیزده سالگی می‌شوم و تا چهارده سالگی یک قدم بیشتر فاصله نیست و کلمه‌ی چهارده توی سرم زنگ‌غریبی دارد. داغ می‌شوم و گوش‌هایم صدا می‌دهد. هی این کلمه را توی سرم تکرار می‌کنم و تنم از کیف کش و قوس می‌آید. تمام

25. اتفاق‌های خوب دنیا در انتظارم است و قلب کوچکم از خوشی می‌تپد.

گلی ترقی، خاطره‌های پراکنده، دوست کوچک، تهران: باغ‌آینه، ۱۳۷۳ = 1994.

le surnom de la compagne de jeux et l'amie d'enfance de la narratrice	دوست کوچک
la cigale	جیرجیرک
la récompense	پاداش
la porte (de ville) ; la grande porte	دروازه
mystérieux	مرموز
regarder avec convoitise ; regarder du coin de l'œil, à la dérobée mais avec insistance	دید زدن
sans signature, anonyme	بدون امضا
s'étirer (muscles)	به کش و قوس آمدن

## TRAVAIL À FAIRE PAR LE CANDIDAT

### I. COMPRÉHENSION DE L'ÉCRIT (10 points)

۱. راوی داستان و دوست کوچک روزها ی تابستان را چگونه می‌گذرانند؟
۲. راوی داستان و دوست کوچک چرا شب اول مهر خوابشان نمی‌برد؟
۳. دختران کلاس ششم در راهروی طبقه ی سوم چه کارهایی می‌کردند؟
۴. آیا راوی داستان در روز تولدش در کلاس به درس توجه می‌کرد؟ توضیح دهید.

### II. EXPRESSION ÉCRITE (10 points)

Traitez les deux sujets. (90 mots minimum pour chaque question)

۱. شما در تعطیلات تابستان چه می‌کنید؟
۲. آیا آغاز دوران نوجوانی برای شما اضطراب‌آمیز و هیجان‌انگیز بود؟ توضیح دهید.

le narrateur, la narratrice = راوی

faire attention = توجه کردن

le commencement, le début = آغاز

inquiétant = اضطراب‌آمیز

excitant = هیجان‌انگیز